فهرست مطالب

[موضوع: فقه / نکاح 2](#_Toc30603384)

[اشاره 2](#_Toc30603385)

[مطلب اول: بررسی احتمالات نه‌گانه و سبر و تقسیم آن 2](#_Toc30603386)

[حذف برخی از احتمالات 2](#_Toc30603387)

[شش احتمال اول: با پذیرش یک قاعده 2](#_Toc30603388)

[دو احتمال از شش احتمال کاملاً غیرمعقول است 4](#_Toc30603389)

[احتمال نامعقول از میان 3 احتمال اول 5](#_Toc30603390)

[نتیجه‌گیری حذف احتمالات 5](#_Toc30603391)

[مطلب دوم: «مادون الخمار» به معنای «تحت» 6](#_Toc30603392)

[ادعای «إسداء الرغاب»: «تحت» شامل صورت هم می‌شود. 6](#_Toc30603393)

[پاسخ ادعا 7](#_Toc30603394)

[مطلب سوم: مادون الخمار به معنای «أسفل» 8](#_Toc30603395)

[صورت اول: مقصود از أسفل خمار، صورت باشد 8](#_Toc30603396)

[صورت دوم: مادون کل الخمار 9](#_Toc30603397)

[نکته: معنای اصلی خمار 9](#_Toc30603398)

[جمع‌بندی 10](#_Toc30603399)

بسم الله الرحمن الرحیم

# موضوع: فقه / نکاح / نگاه

## اشاره

بحث در ابعاد دلالت صحیحه فضیل بن یسار بود که امام بعد از اینکه جواب دادند که ذراعین زن از زینت به شمار می‌آید در ادامه اضافه فرمودند: «وَ مَا دُونَ الْخِمَارِ مِنَ الزِّينَةِ وَ مَا دُونَ السِّوَارَيْن‏»[[1]](#footnote-1)

در اینجا از لحاظ مبحث دلالی بحث اول در مورد معنای «ذراعین» بود و بحث دوم که با بحث ما مرتبط بوده و دارای ارتباط بیشتری بود مادون الخمار و مادون السوار بود که مفهوم عبارت «دون» عرض شد و در انتها به این بحث رسیدیم که مفاهیمی که در اینجا قابل قبول و اجمالاً قابل تصور است سه مفهوم می‌باشد که عبارت باشد از: فوق، تحت و اسفل؛ که در مورد تحت و اسفل مباحث دیگری وجود دارد لکن در اینجا این را مفروض می‌گیریم که این سه معنا متصور است که در واقع عبارت «مادون» به معنای «ما فوق»، «ماتحت» و «اسفل» به کار برود.

پس جهت اول بحث این بود که از میان معانی‌ای که برای «دون» گفته شده است آنچه که می‌توانست در اینجا به نحو فی‌الجمله مقصود باشد این سه معنا می‌باشد.

گفته شد که اگر در این روایت برای هر دو عبارت «مادون» (مادون الخمار و مادون السوار) وحدت سیاق حفظ شود و قائل به وحدت معنا در هر دو عبارت شویم در این صورت اینجا سه احتمال پیش خواهد آمد.

و اگر قائل شویم که «مادون» اوّل و دوم دارای اختلافی در کاربرد و استعمال هستند شش احتمال در این فرض پیدا می‌شود.

بنابراین نهایتاً احتمالاتی که برای مفهوم «مادون» در این دو جمله متصور می‌شود 9 احتمال خواهد بود.

اینها مباحثی است که تا جلسه گذشته عرض شد.

## مطلب اول: بررسی احتمالات نه‌گانه و سبر و تقسیم آن

حال ابتدا باید مروری کرد بر این مطلب که با این 9 احتمال چه نوع معامله‌ای می‌توان کرد:

همان‌طور که به خاطر دارید سه احتمال اول آن بود که هر دو عبارت «مادن» در روایت یک معنا داشته باشد، یعنی یا هر دو به معنای ما فوق باشد، یا هر دو به معنای ما تحت باشد و یا هر دو به معنی أسفل باشد؛ و اما از احتمال چهارم تا نهم صورت‌های مختلفی در تفاوت دو معنای «مادون» در روایت می‌باشد.

### حذف برخی از احتمالات

#### شش احتمال اول: با پذیرش یک قاعده

در مورد شش احتمال دوم باید گفت ممکن است کسی بر اساس قرینه‌ای که قبلاً عرض شد باید به طور کل این شش احتمال باید کنار گذاشته شود.

دلیل کلام این افراد این است که عبارت «مادون» در هر دو جمله یک معنا دارد و در واقع نوعی قرینه سیاقیه‌ای وجود دارد که وقتی یک عبارت با سیاق واحد در دو جا به کار می‌رود بسیار بعید است که به دو معنا به کار برود. پس اگر کسی این قرینه را بپذیرد با یک استدلال هر شش احتمال کنار گذاشته می‌شود و به‌عنوان‌مثال اینکه «مادون الخمار» را به معنای اسفل باشد و «مادون السوار» به معنای فوق باشد (یکی از معانی که بر اساس استثناء وجه و کفّین بسیار خوب استفاده می‌شود) دیگر پذیرفته نیست، در واقع این صورت که احتمال هشتم در احتمالات نه‌گانه می‌باشد این است که «مادون الخمار» به معنای پایین‌تر از خمار باشد (با معنایی که در آینده عرض خواهد شد) و «مادون السوار» هم بالاتر از آن سوار باشد که این معنا برای استثناء وجه و کفّین بسیار کاربردی است، لکن مشکلی که در اینجا وجود دارد این است که ابتدا باید قائل شویم که این دو «مادون» با هم تفاوت معنای دارند که این مسئله این‌چنین است که گویا یک عبارت با یک لحن و سیاق به کار رود و ادعا شود که لفظ اول فلان معنا را دارد و لفظ دوم معنای دیگر! که پذیرش این مطلب کمی دشوار است.

پس همان‌طور که متوجه شدید اینکه گفته شود مثلاً مادون اول به معنای «فوق» باشد و مادون دوم به معنای «اسفل»، یا مادون اوّل «تحت» باشد و مادون دوم «فوق» و ... با چنین مانع لفظی و استظهاری و همچنین قرینه سیاقیه مواجه است.

بنابراین اگر کسی این قرینه سیاق را در این حد بپذیرد که نمی‌توان در یک جمله در کنار هم «مادون» به دو معنای متفاوت و متمایز به کار برود با همین یک قضیه هر شش احتمال کنار می‌رود، مگر اینکه قرینه خاصه‌ای برای آن وجود داشته باشد که این کمی سخت است.

در این روایت امام در پاسخ به این سؤال که آیا ذراعین جزء زینت است یا خیر می‌فرمایند بله جزء زینت به شمار می‌رود. پس ابتدائاً این به دست می‌آید که ایشان در مقام بیان دو حکم تکمیلی هستند: یکی «مادون الخمار من الزینه» و دیگری «مادون السوارین» که بسیار بعید است که دو جمله به‌هم‌پیوسته‌ای که به هم عطف شده‌اند گفته شود «مادن» اول یک معنا و دومی معنای دیگری دارد، علی‌الخصوص اینکه در جمله دوم عبارت «زینت» دیگر وجود ندارد! در واقع اگر جمله دوم هم کامل ذکر می‌شد می‌توانستیم بگوییم که دو جمله مجزا و مستقل هستند که یکی «مادون الخمار من الزینه» و دیگری «مادون السوارین من الزینه» می‌باشد که در این صورت شاید تا حدودی می‌توانستیم بپذیریم که این دو عبارت معانی متفاوتی دارند، درحالی‌که در این روایت عطف جمله دوم به‌گونه‌ای است که کاملاً تبعی از اولی می‌باشد و حتی عبارت «من الزینه» که خبر جمله می‌باشد دیگر تکرار نشده است.

پس بنابراین باید گفت:

اولاً دو عبارت مشترک با سیاق واحد در یک جمله بسیار بعید است که یک عبارت در یک معنا و عبارت دیگر در معنای متفاوتی داشته باشد که این ذاتاً بعید است.

ثانیاً: علی‌الخصوص در این جمله دوم تابعی از جمله اول است و خبر آن به قرینه جمله اول حذف شده است؛ که با این شاهد دوم در واقع پیوست این دو جمله قوی‌تر شده و باید گفت دو جمله‌ای که این‌چنین در رهم تنیده و به‌هم‌پیوسته هستند بسیار بعید است که «مادون» در جمله اول یک معنا و در جمله دوم معنای دیگری داشته باشد و از این جهت است که این شش احتمال (تفاوت معنا) کنار گذاشته می‌شوند.

##### دو احتمال از شش احتمال کاملاً غیرمعقول است

به آن دو شاهد می‌توان این مطلب را نیز اضافه نمود که برخی از این معانی اصلاً قابل قبول نمی‌باشند که اگرچه بنابر این مطلب تمام احتمالات شش‌گانه کنار نمی‌روند لکن برخی از صور آن مفهوم قابل قبولی نخواهد داشت؛ به‌عنوان‌مثال اینکه گفته شود «مادون الخمار» به معنای «فوق» می‌باشد و «مادون السوار» به معنای «اسفل» یا «تحت»! که این‌گونه تفاوتی اصلاً معقول نیست چراکه اصلاً «مافوق الخمار» معنای درستی نخواهد داشت زیرا بالاتر از «خمار» چیزی وجود ندارد. توجه داشته باشید که در «مادون السوار» معنای «فوق» متصور و معقول است اما در «مادون الخمار» چنین معنایی را نمی‌توان پذیرفت و لذا از میان این شش احتمال دو احتمال آن همین دو صورت است که «مادون الخمار» به معنای فوق باشد و «مادون السوار» یک بار به معنای «تحت» و بار دوم به معنای «أسفل» باشد که این دو احتمال به طور خاص معقول نیست و باید کنار گذاشته شود زیرا همان‌طور که عرض شد «مافوق خمار» اصلاً معنایی ندارد و مسلم است که بحثی از بالای روسری و مقنعه نیست.

پس بنابراین از میان این شش احتمال، دو احتمال آن به طور کل معقول نخواهد بود و کنار می‌رود و چهار احتمال دیگر هم با همان قاعده قبل که عرض شد کنار می‌روند و از این جهت باید هر شش احتمال کنار گذاشته شود. لکن توجه داشته باشید آنچه در این بخش عرض شد این بود که بنابر قاعده اول تمام شش احتمال کنار می‌روند و آن قاعده هم این بود که ظاهر و سیاق روایت به‌گونه‌ای است که یک معنا از هر دو عبارت مراد باشد و اما از میان این شش احتمال دو احتمال آن اصلاً معقول نبوده و واضح البطلان است و چهار احتمال دیگر هم خلاف ظاهر است.

و اگر کسی بخواهد این‌چنین صوری را بپذیرد که در واقع معانی «مادون» در دو عبارت متفاوت باشد نیاز به قرینه دارد و نمی‌توان بدون قرینه آن را پذیرفت.

شهید مطهری قائل‌اند که از این روایت این‌چنین فهمیده می‌شود که: آنچه در زیر روسری است باید پوشیده شود و آنچه که از محل دستبند به بالا است باید پوشیده شود که ما عرض می‌کنیم این معنا درصورتی‌که قرینه‌ای وجود داشته باشد بسیار خوب و پذیرفتنی است لکن قرینه‌ای در اینجا وجود ندارد و به طور کل اینکه «مادون» به معنای «فوق» به کار برود بسیار خلاف ظاهر است و نیاز به قرینه ویژه‌ای دارد؛ به‌عبارت‌دیگر حتی اگر قائل به اشتراک لفظی در این عبارت شویم باز هم این معنا بسیار دور از ذهن می‌باشد چراکه اگر به صورت خالی‌الذهن کسی بگوید «مادون» به معنای «مافوق» می‌باشد آن را رد می‌کردیم اما پس از مراجع به کتب لغت و بررسی دقیق‌تر پذیرفتیم، اما «مادون» به معنای اسفل و تحت بسیار رایج و شایع بوده و قابل قبول است.

سؤال: چه‌بسا شاید از این روایت به تنهایی این‌چنین معنایی به دست نیاید اما با بررسی روایات دیگر و قرار گرفتن این روایت در کنار آنها آن نتیجه‌ای که شهید مطهری فرمودند حاصل شود.

جواب: در اینجا ما این روایت را به تنهایی مورد بحث قرار دادیم تا ببینیم آیا از این روایت چنین معنایی به دست می‌آید یا خیر و اگر بخواهیم این معنا را بپذیریم نیاز به قرینه وجود دارد.

سؤال: در این باره روایات زیادی وجود دارد که گفته‌اند زیر روسری را بپوشانید، آیا اینها قرینه نیستند؟

جواب: خیر، این درست نیست. در واقع اگر قرینه‌ای وجود داشته باشد که ثابت کند «دون» اوّل با دوم از نظر معنا با هم متفاوت هستند در این صورت می‌توان پذیرفت اما اینکه از روایات دیگر استفاده شود و در مقام جمع نهایی ادله چنین نتیجه‌ای به دست آید و از طریق آن این روایت را نیز این‌چنین معنا کنیم این درست نیست.

#### احتمال نامعقول از میان 3 احتمال اول

در میان سه احتمال نخست که در واقع هر دو «مادون» در جمله را دارای معنای مشترک بدانیم به‌گونه‌ای که یا هر دو به معنای «تحت» یا «أسفل» و یا «فوق» احتمالی که «دون» را «فوق» معنا کنیم باطل است چراکه همان‌طور که در قبل عرض شد دون در معنای فوق نامعقول است و این احتمال هم حذف می‌شود.

### نتیجه‌گیری حذف احتمالات

این نوعی سبر و تقسیم در احتمالات بود که نتیجه آن این شد که فقط 2 احتمال در آن متصور می‌باشد و هفت احتمال دیگر حذف شدند که حذف این هفت احتمال به این صورت بود که:

* دو احتمال از شش احتمال -که معنای مادون در روایت متفاوت باشد- اصلاً معقول نیست و همچنین خلاف ظاهر است؛
* چهار احتمال دیگر از شش احتمال هم خلاف ظاهر است؛
* یک احتمال از 3 احتمال –اشتراک معنا- نامعقول است و آن اینکه هر دو عبارت «مادون» در روایت به معنای «مافوق» باشد.

از این جهت است که امر دایر می‌شود بین دو احتمال که روز اول نیز این دو احتمال عرض شد و آن دو عبارت‌اند از:

1. «دون» به معنای «تحت»
2. «دون» به معنای «أسفل»

پس آنچه که در اینجا عرض شد همان مطلبی بود که در جلسه اول این بحث عرض شده بود که در اینجا با این بیان تمام ابعاد قضیه به لحاظ احتمالات و متصورات روشن شد.

سؤال: ؟؟؟ 17:10

جواب: بله یک احتمال ضعیفی در بحث «مافوق خمار» وجود دارد که در جایی نیز اشاره شده است و آن اینکه گفته شود «مافوق خمار» همچون «مادون خمار» است و همان‌طور که در یک احتمال گفته می‌شود «مادون خمار» یعنی پایین‌تر از روسری که همان وجه می‌باشد، چه‌بسا «مافوق خمار» به این معنا باشد که بالاتر از پایین روسری است که باز همان وجه می‌شود.

توضیح مطلب اینکه وقتی گفته می‌شود «مادون خمار» یعنی پایین خمار، در واقع بالای خمار را ملاک قرار داده‌ایم که روی سر قرار گرفته است و در این صورت وجه را «مادون خمار» می‌نامند و اما ممکن است کسی ادعا کند که ملاک خمار پایین آن است که اگر این باشد «مافوق خمار» باز همان «وجه» می‌باشد. فلذا این‌چنین نیست که گفته شود به طور کل معقول نیست اما احتمال بسیار کمی دارد.

این دو احتمالی بود که در روز اول هم عرض شد که در یک سو امثال صاحب حدائق و مشهور هستند که «دون» را به معنای «تحت» اخذ می‌کنند و در طرف مقابل هم امثال مرحوم خویی و صاحب «اسداء الرغاب» و دیگران هستند که معنای «أسفل» را می‌پذیرند.

## مطلب دوم: «مادون الخمار» به معنای «تحت»

مطلب دیگری که در همین دو احتمال باقی مانده وجود دارد بررسی این صورت از معنای «مادون الخمار» است که در «اسداء الرغاب» گفته شده است که همان معنای «زیر» و زیر می‌باشد.

توجه داشته باشید که در زبان فارسی میان لفظ «پایین» و لفظ «زیر» تفاوت واضحی وجود دارد که بسیار شفاف است لکن در عربی چنین شفافیتی شاید وجود نداشته باشد و آنچه در اینجا به‌عنوان «تحت» گفته می‌شود همان «ما یصدره الخمار» می‌باشد که در واقع همان بخشی است که توسط خمار پوشانده می‌شود و در واقع زیر خمار قرار می‌گیرد.

این احتمال که گفته شود «مادون الخمار» و «مادون السوار» به معنای تحت و ستر می‌باشد و در واقع «ماتحت الخمار» یعنی زیر خمار و آنچه با خمار مستور شده است، باید دید که با این معنا «مادون الخمار» به چه معنا است؛

در اینجا یک احتمالی که بسیار واضح است این است که خمار سر را می‌پوشاند و «مادون الخمار» هم یعنی همان مو و بشره‌ای که با خمار مستور می‌شود و این همان معنایی است که مشهور این را پذیرفته‌اند که در واقع «ماتحت الخمار» یعنی آنچه که مستور همین مقنعه و روسری می‌باشد.

#### ادعای «إسداء الرغاب»: «تحت» شامل صورت هم می‌شود.

لکن همین معنا در اسداء الرغاب این‌چنین گفته شده است که اگر «مادون» به معنای «ماتحت» هم أخذ شود شامل صورت می‌شود چراکه ایشان این‌چنین می‌فرمایند که در زنان محترم و کسانی که از حرائر و غیر امام بوده‌اند معمولاً پوشیه داشته‌اند که با آن صورت خود را نیز می‌پوشاندند که در این کتاب برای این مسئله شواهدی هم ذکر شده است که این شواهد گویای همین مطلب است که زنان محترم در بسیاری مواقع نه تنها با این خمار سر و گردن را می‌پوشاندند بلکه چهره را نیز می‌پوشاندند که چیزی شبیه به همین پوشیه‌های فعلی بوده است.

پس بنابراین اگر «مادون الخمار» به معنای «ماتحت الخمار» و «ما یستره الخمار» باشد هم شامل سر می‌شود و هم چهره را؛ که این وجهی است که صاحب «إسداء الرغاب» مطرح نموده‌اند.

به‌عبارت‌دیگر ایشان می‌فرمایند: از نظر ما هم «مادن» یعنی «ما یستره الخمار»، اما چرا «ما یستره الخمار» باید فقط به معنای سر باشد بلکه صورت هم از همان قسم است و شاهد این قضیه هم همین است که در بسیاری از موارد صورت هم پوشیده می‌شده و شواهد دیگری هم برای این قضیه آورده‌اند که از جمله آن خطبه حضرت زینب سلام‌الله‌علیها می‌باشد که می‌فرمایند: «أَ مِنَ الْعَدْلِ يَا ابْنَ الطُّلَقَاءِ تَخْدِيرُكَ حَرَائِرَكَ وَ إِمَاءَكَ وَ سَوْقُكَ بَنَاتِ رَسُولِ اللَّهِ سَبَايَا قَدْ هَتَكْتَ سُتُورَهُنَّ وَ أَبْدَيْتَ وُجُوهَهُنَّ تَحْدُو»[[2]](#footnote-2) که مضمون آن این است که «زنان تو در جای امن و مستور باشند و دختران و خاندان پیامبر باید وجوهشان مکشوف باشد» و همان‌طور که مشاهده فرمودید طبق این نقل حضرت زینب کبری می‌فرمایند «وجوهشان مکشوف باشد» که از این عبارت مشخص می‌شود که پوشاندن وجه هم متعارف و مرسوم بوده است.

پس بنابراین اگر «مادون الخمار» به معنای «تحت الخمار» أخذ شود، در این صورت هم شامل صورت می‌شود و این کلامی است که ایشان معتقدند و می‌فرمایند اگر این معنا هم پذیرفته شود شما باید همراه ما بشوید به جهت این شواهدی که وجود دارد.

#### پاسخ ادعا

البته این ادعا از سوی بزرگانی از جمله حضرت آقای زنجانی پاسخ داده شده است که نیازمند مراجعه و ملاحظه کلام ایشان است، لکن آنچه در اینجا به‌عنوان پاسخ به این ادعا می‌شود گفت این است که این مسئله یک قاعده کلیه در آن زمان نبوده که زن‌ها صورت خود را بپوشانند و این مطلب ثابت نیست که همه زن‌ها صورت‌های خود را می‌پوشاندند؛ که این مطالب در کلمات آقای زنجانی وارد شده است.

و اما نکته مزیدی که در اینجا باید مورد توجه قرار گیرد این است که پوشاندن چهره به خمار نبوده است که این نکته را آقای زنجانی نفرمودند، بلکه آنچه که موجب پوشش صورت بوده است یک نقاب یا پارچه ظریفی بوده است که موجب پوشش صورت می‌شده که زن‌ها دیگران را از پشت آن می‌دیدند و احیاناً دیگران هم شاید تا حدودی او را می‌دیدند، اما آنچه که مهم است این است که این پوشش قابل دیدن خارج از آن است و این غیر از ستر است که عملکرد آن ستر است که اصلاً پشت آن دیده نمی‌شود و در واقع آنچه برای پوشش صورت استفاده می‌کردند نقابی بوده است که با خمار متفاوت است و بسیار بعید است که به آن نقاب خمار گفته شود و چنین چیزی متعارف نیست که از خمار برای پوشش صورت استفاده کنند.

و آنچه که از خطبه حضرت زینب سلام‌الله‌علیها استفاده کردند نیز می‌توان چنین تفسیر کرد که کلام ایشان مربوط به بی‌اعتنایی و بی‌احترامی می‌باشد و حداکثر شاید بتوان گفت اجازه نمی‌دادند اینها پوشیه داشته باشند که احتیاط کامل را رعایت کرده باشند.

و از این جهت است که با این دو نکته که یکی کلام حضرت آقای زنجانی باشد و نکته دومی که ما به آن اضافه کردیم نتیجه می‌گیریم که آنچه برای پوشش صورت استفاده می‌شود خمار نیست بلکه نوعی نقاب است که پارچه رقیقی است تا صورت به صورت شفاف دیده نشود نه اینکه اصلاً دیده نشود که اتفاقاً این نقاب را نمی‌توان برای موی سر تجویز کرد و چنین پوششی جایز نیست و چنین پوششی بدحجابی و بی‌حجابی به شمار می‌آید.

پس آنچه در این مطلب عرض شد این بود که اگر «مادون» را به معنای «ما تحت الخمار و مستور بخمار» بدانیم ابتدائاً می‌شود دو احتمال برای آن مطرح کرد که یکی فقط پوشش سر باشد و دوم اینکه صورت را نیز شامل شود اما با بررسی دقیق‌تر و منصفانه این نتیجه به دست می‌آید که احتمال دوم کنار رفته و «مادون» به معنای «تحت» همان سر می‌باشد و اینکه در روایت گفته می‌شود «مادون الخمار من الزینه» مقصود همان قسمت از سر است که با خمار در ارتباط است که البته این روایت به انضمام آیه شریفه **﴿... وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ...﴾**[[3]](#footnote-3) شامل گردن و اطراف آن هم می‌شود که آنها از زینت‌هایی است که باید مستور باشد و نگاه به آن جایز نیست.

این هم مطلب دیگری بود که پیرامون معنای «تحت» از عبارت «مادون الخمار» می‌باشد که همان‌طور که عرض شد اگر این معنا پذیرفته شود همان رأس به تنهایی می‌باشد و شامل وجه نمی‌شود.

### مطلب سوم: مادون الخمار به معنای «أسفل»

در این مسئله که «مادون الخمار» به معنای «أسفل» اختیار شود بحث دیگری وجود دارد و آن اینکه «مادون الخمار» به معنای «أسفل» چیست؟

در اینجا نیز دو احتمال وجود دارد:

#### صورت اول: مقصود از أسفل خمار، صورت باشد

تلقّی صاحب «إسداء الرغاب» از این معنا همین است که أسفل از خمار یعنی وجه و بر اساس این وقتی گفته می‌شود پایین حجاب و روسری زینتی است که نمی‌توان به آن نگاه کرد همان صورت است.

در اینجا آنچه از عبارت «خمار» أخذ کرده‌اند قسمت بالا و اصلی مقنعه و روسری می‌باشد که مادون خمار یعنی پایین بخش اصلی روسری است که همان صورت می‌شود.

این یک احتمال است که در واقع مقصود از مادون الخماری که «أسفل» باشد یعنی مادون بخش اصلی خمار که همان محل اصلی خمار می‌باشد و مصداق آن چهره و وجه می‌باشد و صاحب «إسداء الرغاب» و مرحوم خویی هم معنا را می‌پذیرند و بر اساس همین مطلب معتقد شده‌اند که چهره پایین خمار است و طبق آیه زینت بوده و نباید به آن نگاه کرد.

#### صورت دوم: مادون کل الخمار

و اما در اینجا معنای دیگری هم وجود دارد و آن معنایی است که در کلمات حضرت آقای زنجانی وجود دارد و البته به ذهن ما هم رسیده بود و آن اینکه برداشت مرحوم خویی و «إسداء الرغاب» درست نیست به این دلیل که خمار همان پارچه‌ای است که سر را می‌پوشاند و تا پایین سر وجود دارد به جز صورت؛ و در واقع وقتی گفته می‌شود «مادون الخمار» یعنی تمام خمار از بالاترین نقطه تا پایین که مادون کل هم سینه و اعضای پایین‌تر می‌باشد نه چهره و لذا آقای زنجانی می‌فرمایند بنا بر کدام دلیلی می‌گویید «مادون الخمار» به معنای اسفل وجه می‌باشد؟ بلکه از نظر ما مقصود از مادون الخمار پایین‌تر از گردن و سینه و ... می‌باشد چراکه این اعضاء است که پایین‌تر از خمار می‌باشد.

و در ادامه هم ایشان توجیهات و مثال‌هایی ذکر کرده‌اند به این بیان که وقتی چیزی مرکب از مجموعه‌ای بوده و دارای کل می‌باشد وقتی گفته می‌شود مادون آن شیء توجیه و معنایی ندارد که وسط آن برداشت شود بلکه مقصود از مادون، پایین‌تر از کلّ آن می‌باشد نه پایین‌تر از بعض آن.

پس بنابراین «مادون الخمار» به معنای «أسفل» را به دو صورت می‌توان معنا کرد:

1. مادون الخمار به معنای مادون از یک بخش خمار که بنابراین احتمال معنای آن «وجه» می‌باشد.
2. مادون الخمار به معنای پایین‌تر از کلّ آن که بنابراین احتمال از گردن به پایین می‌باشد.

و همان‌طور که در بالا ملاحظه نمودید برخی از بزرگان از جمله آقای زنجانی معتقد به صورت دوم می‌باشند و مادون الخمار یعنی پایین‌تر از کلّ مقنعه که در این صورت دیگر وجه نمی‌باشد بلکه سینه است.

پس بنابراین عرض می‌شود که همان‌طور که «مادون الخمار» به معنای «تحت» دو صورت معنایی داشت که یکی فقط رأس بود و دیگری شامل وجه هم می‌شد و قائلین به معنای تحت صورت دوم را نیز معقول می‌دانستند، در اینجا نیز قائلین به مادون به معنای «أسفل» معتقدند که أخذ معنای چهره از این عبارت درست نیست زیرا بخشی از خمار را گرفته‌اید درحالی‌که «مادون الخمار» یعنی مادون کلّ خمار و مادون کلّ خمار سینه است نه چهره.

و اگر کسی احتمال دوم از صورت دوم را بپذیرد نظر امثال مرحوم خویی و صاحب اسداء الرغاب به طور کل رد می‌شود چراکه گفته می‌شود مادون حتی اگر به معنای اسفل هم باشد باز هم وجه مقصود نیست.

#### نکته: معنای اصلی خمار

در اینجا یک نکته وجود دارد و آن اینکه این فرمایش آقای زنجانی علیرغم اینکه کبرای کلی که فرمودند شاید درست باشد اما قابل مداقّه است و تطبیق این معنا در اینجا محلّ سؤال است که ذیلاً عرض می‌شود؛

ظاهر کلام این است که معنای اصلی خمار این بوده است که حتی اگر به‌گونه‌ای بسته شود که گوش و گردن را نیز نپوشاند باز هم به آن خمار اطلاق می‌شود و این آیه بود که محدوده خمار را تعیین کرده و فرمود: «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ» یعنی گوش و گردن خود را با خمار بپوشانید و الا اگر این آیه هم وجود نداشت خمار همان معنای اول را داشت و باز هم به آن خمار اطلاق می‌شد.

و روایت سعد اسکاف و آیه هم مؤید همین مطلب است که در مدینه پوشش به این صورت بوده است و حتی پس از ابلاغ حجاب هم تلقی افراد این بود که مقصود از خمار همان پوشش موی سر است و همین کفایت می‌کند تا زمانی که آیه نازل شده و این مطلب را روشن کرد که این خمار باید گوش و گردن را هم بپوشاند که از این قضیه مشخص می‌شود که معنای اصلی خمر و خمار همان چیزی است که سر و مو را می‌پوشاند که در این صورت وقتی گفته می‌شود «مادون الخمار» حتی اگر کلّ خمار هم مقصود باشد شامل صورت و گوش و گردن و ... می‌شود.

پس بنابراین اگر فرمایش مرحوم آقای خویی و «إسداء الرغاب» را به‌عنوان «أسفل» بپذیریم به نظر می‌رسد مادون خمار یعنی چهره، گوش، گردن و دیگر اعضاء چراکه معنای اصلی خمار همان است و اینکه گفته شده است خمار را بر بخش‌های دیگر بیافزایید یک حکم شرعی است که در اینجا وجود داشته است و با این حساب شاید نتوان پذیرفت که معنای اصل خمار آن کل می‌باشد و أسفل خمار سینه است. مگر اینکه کسی ادعا کند پس از اینکه آن آیه شریفه نازل شد یک حقیقت شرعی و متشرّعه ایجاد شد و مقصود از خمار آن چیزی است که همه اعضاء را بپوشاند که این بسیار بعید می‌باشد.

### جمع‌بندی

تاکنون چهار مطلب عرض شد:

1. معانی دون
2. احتمالات نه‌گانه و سبر و تقسیم آنها که نهایتاً دو احتمال باقی ماند.
3. صور مختلف برای مادون الخمار به معنای تحت که در واقع یکی از دو معنا صحیح بود.
4. صور مختلف برای مادون الخمار به معنای أسفل که در اینجا ظاهر این است که همان معنایی که مرحوم خویی و دیگران تلقی کردند درست است.

این مسیری است که تاکنون طی شده است و بحث آخر در مفهوم‌شناسی و مصداق شناسی «دون» این است که بالاخره کدام یک از این دو معنا را می‌توان انتخاب کرد؟ که ان‌شاءالله در جلسات آینده عرض خواهد شد.

و صلی الله علی سیّدنا و آله الطاهرین

1. . وسائل الشيعة، ج‏20، ص: 201. [↑](#footnote-ref-1)
2. . بحارالأنوار (ط - بيروت)، ج‏45، ص: 13 [↑](#footnote-ref-2)
3. سوره نور، آیه 31 [↑](#footnote-ref-3)